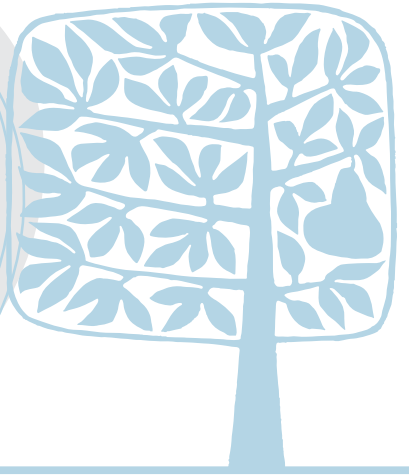


فصل ۱



زندگی اجتماعی

درس
۱

کنش‌های ما (آنچه انجام می‌دهیم)

کنش‌های ما انسان‌ها، چه ویژگی‌هایی دارد؟



کنش انسانی



● در جهان، تمامی موجودات کاری انجام می‌دهند؛ اما فعالیت انسان با فعالیت موجودات دیگر تفاوت دارد.

«هر ذره که هست، اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است»

- در زبان فارسی برای فعالیت انسان نام‌های گوناگونی؛ همانند کار، عمل، رفتار، کردار، کنش و ... وجود دارد و برای انجام‌دهندهٔ آن فعالیت، اسامی مختلف کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل، کنشگر و ... به کار می‌رود.
- در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهندهٔ آن «کنشگر» می‌گویند.

دقت کنیم که!

فعالیت‌های طبیعی انسان؛ مانند ضربان قلب یا رشد سلول‌های بدن، کنش انسانی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا با اراده و آگاهی انسان همراه نیستند.

ویژگی‌های کنش انسانی



- کنش انسانی با فعالیت‌های طبیعی تفاوت دارد. از این تفاوت‌ها به‌عنوان ویژگی‌های کنش انسانی یاد می‌کنند.
- برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کنش انسانی عبارت‌اند از:

۱. آگاهانه بودن کنش انسانی:

- کنش انسان به آگاهی او وابسته است؛ یعنی اگر آگاهی از بین برود، کنش انسان نیز ادامه نخواهد یافت.

نمونهٔ عینی:

سخن گفتن:

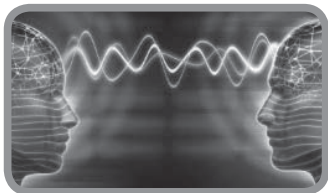
- اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. به همین دلیل، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.
- تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد.
- آگاهی مهم‌ترین اصل برای ایجاد یک کنش انسانی است.
- ممکن است فردی به صحیح بودن کاری آگاهی داشته باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن نگیرد، یا به غلط بودن کاری آگاه باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن بگیرد. کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی درست و کامل صورت نمی‌گیرد.

نمونهٔ عینی:

سخن سقراط: «اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه حتی سودمند، پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!» به اهمیت آگاهی صحیح در انجام کنش اشاره دارد.

۲. ارادی بودن کنش انسانی:

- ابتدا آگاهی، سپس اراده موجب ایجاد کنش می‌شود.
- کارهایی که بدون اراده از انسان سر می‌زند، کنش انسانی خوانده نمی‌شود.



(تلیل کنید)

۲۵. هریک از پیامدهای زیر در مورد کنش سیگار کشیدن و رعایت حیا، به ترتیب در کدام قسمت از جدول قرار می‌گیرند؟
«تپش قلب»، «از دست دادن دوستان»، «احساس پاکی روح»، «تشویق اجتماعی»

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
«پ»	«ب»	«الف»	سیگار کشیدن
«ج»	«ث»	«ت»	رعایت حیا

۱ پ - ب - ج - ث ۲ الف - ت - پ - ب ۳ ت - ب - پ - ث ۴ پ - ج - ب - ث

(مفهومی)

۲۶. جاهای خالی جدول زیر، به ترتیب با کدام گزینه کامل می‌شود؟

ویژگی‌های کنش	مصادیق
«الف»	بر سر دوراهی انتخاب قرار گرفتن
«ب»	برج ایفل نماد فرانسه است.
هدفدار	«پ»
«ت»	استفاده از دفترچه راهنمای یک کالا

۱ ارادی - هدفدار - بوقی که مفهوم اعتراض دارد. - آگاهانه

۲ آگاهانه - معنادار - کلاس رفتن برای یادگیری شنا - هدفدار

۳ آگاهانه - هدفدار - تعریف کردن جوک برای خندانان - هدفدار

۴ ارادی - معنادار - لباس تمیز پوشیدن به منظور شاد بودن - آگاهانه

(ترکیبی)

۲۷. هریک از عبارتهای زیر، به ترتیب بر کدام مفهوم دلالت دارند؟

«آدمی در گرو عمل خویش است»، «نام دیگر کنش» و «اقداماتی که برای زندگی در جایی که قبلاً نبودیم، انجام می‌دهیم.»

۱ اهمیت کنش‌های انسانی - فعالیت انسانی - آگاهانه بودن کنش انسانی

۲ اهمیت کنش‌های انسانی - رفتار انسانی - هدفدار بودن کنش انسانی

۳ اهمیت پیامدهای کنش انسانی - فعالیت انسانی - آگاهانه بودن کنش انسانی

۴ اهمیت پیامدهای کنش انسانی - رفتار انسانی - هدفدار بودن کنش انسانی

(مفهومی - تصویری)

۲۸. با توجه به مفاهیم مربوط به کنش انسانی و پیامدهای آن، کدام گزینه در تحلیل این دو تصویر به ترتیب درست آمده است؟



«ب»



«الف»

۱ آلودگی هوا، پیامد ارادی کنش انسانی است. - معنادار بودن کنش

۲ آلودگی هوا، کنش انسانی نامطلوب است. - هدفدار بودن کنش

۳ آلودگی هوا، پیامد غیرارادی کنش انسانی است. - معنادار بودن کنش

۴ آلودگی هوا، پیامد ارادی کنش انسانی است. - هدفدار بودن کنش

با کنکور هم‌سطح شویم!



(سراسری ۹۴، با تغییر)

۲۹. هریک از عبارتهای زیر به ترتیب به کدام قسمت از نمودار مربوط است؟

- دست‌بالا بردن برای اجازه خواستن از معلم

- یادگرفتن درس

- پاسخ‌دادن به پرسش‌های امتحانی

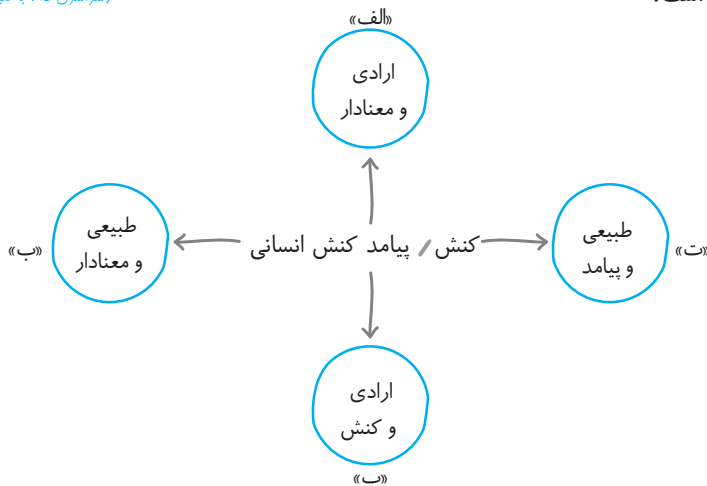
- غمگین شدن از یک خبر

۱ الف - پ - پ - ت

۲ ب - ت - الف - پ

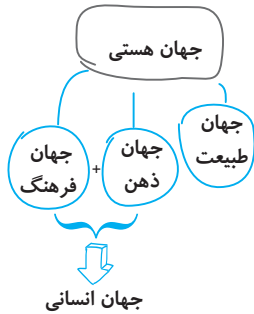
۳ الف - ت - پ - ت

۴ پ - الف - الف - پ



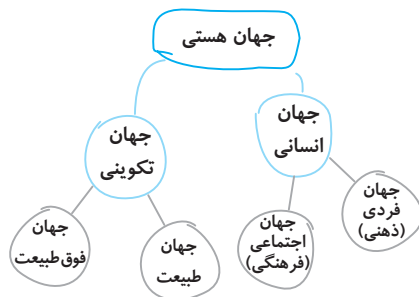
جهان تکوینی

- تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند.
 - برخی از پدیده‌های جهان هستی، محصول جهان تکوینی و برخی دیگر محصول جهان انسانی است.
- جهان تکوینی
- در مقابل جهان انسانی قرار دارد.
 - پیش از انسان وجود داشته است.
 - مستقل از خواست و اراده انسانی وجود دارد.



دیدگاه‌های مختلف درباره جهان تکوینی

- (الف) گروهی، جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند:
- جهان طبیعت را در برابر جهان انسانی قرار می‌دهند.
 - جهان انسانی را به جهان ذهنی و جهان فرهنگی تقسیم می‌کنند.
 - جهان هستی را به سه جهان تقسیم می‌کنند:
- جهان اول:** جهان طبیعت؛ **جهان دوم:** جهان ذهن؛ **جهان سوم:** جهان فرهنگ



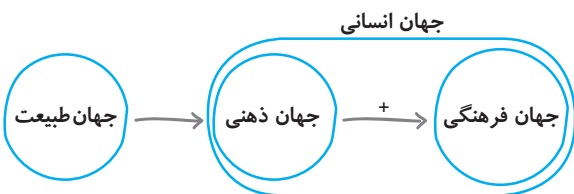
(ب) متفکران مسلمان:

- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌کنند. (جهان طبیعت را بخشی از جهان تکوینی می‌دانند).
- جهان تکوینی را به دو جهان تقسیم می‌کنند: ۱. جهان طبیعت ۲. جهان فوق طبیعت
- از چهار جهان سخن می‌گویند.

دیدگاه‌های مختلف درباره تعامل جهان تکوینی و جهان انسانی

دیدگاه اول

- برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند.
- این گروه جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند.
- از نظر آنان، «جهان افراد» و «فرهنگ جامعه»، هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است.
- پس:** بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند.
- در نتیجه:** ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کنند.
- به رابطه جهان تکوینی و جهان انسانی (ذهنی و فرهنگی) نزد این دیدگاه دقت کنید:



(در رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی پایه دوازدهم مشاوران آموزش، این دیدگاه را فواید فواید)

دیدگاه دوم

- «جهان فرهنگی» را مهم‌تر از «جهان ذهنی» و «جهان تکوینی» می‌دانند.
- در نتیجه:** «جهان ذهنی» و «جهان تکوینی» اهمیت و استقلال خود را در برابر «جهان فرهنگی» از دست می‌دهد.
- «جهان ذهنی و فردی» را تابع فرهنگ جامعه می‌دانند.
- «جهان تکوینی» را ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌دانند.
- به رابطه «جهان تکوینی» و «جهان انسانی» نزد این دیدگاه دقت کنید:



(در رویکرد تفسیری در جامعه‌شناسی پایه دوازدهم مشاوران آموزش، این دیدگاه را فواید فواید)

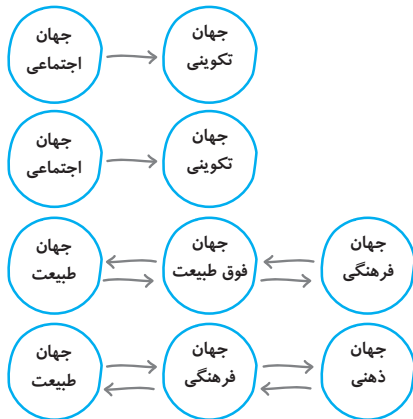
(ترکیبی از بتوانیم و برانیم)

۶۱۹. جاهای خالی عبارت‌های زیر، به ترتیب با کدام گزینه کامل می‌شود؟
الف) اگر انسان از خویش و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با و در می‌ماند.
ب) قرآن کریم از باورها و اعمالی که مانع دستیابی انسان به حقیقت خویش و جهان هستی می‌شوند، به و یاد می‌کند که زنجیرهایی هستند که انسان را در به بند می‌کشند.

- ۱ جهان هستی - شکوفایی استعدادهای خویش - اغلال - سلاسل - دنیا و آخرت
- ۲ جهان هستی - جهان انسانی - سنن - نوامیس - آخرت
- ۳ جهان انسانی - شکوفایی استعدادهای خویش - اغلال - سلاسل - آخرت
- ۴ جهان هستی - جهان انسانی - سنن - نوامیس - دنیا و آخرت

۶۲۰. با توجه به آیه شریفه ۴۱ سوره روم «به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.» در کدام گزینه همه قسمت‌ها درست آمده است؟

(ترکیبی از بیندیشید)



۱ اهمیت جهان فردی و اثرگذاری آن بر بخش اجتماعی - دیدگاه دوم ←

۲ تعامل جهان اجتماعی با جهان ذهنی در جهان انسانی - دیدگاه قرآن ←

۳ تعامل جهان‌های فرهنگی، جهان طبیعت و جهان فوق طبیعت - دیدگاه قرآن ←

۴ اهمیت و تعامل هر سه جهان تکوینی، فرهنگی و ذهنی - دیدگاه سوم ←

با کنگور هم سطح شوید!



۶۲۱. هرچه به اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید، مربوط به است. جهان فرهنگی در برابر قرار داده می‌شود و هر فرد براساس مسائل روزمره زندگی خود را تفسیر می‌کند. جهان پیش از انسان وجود داشته است.

(فارج از کشور ۹۳)

- ۱ جهان انسانی - جهان تکوینی - هنجارها و رفتارهای خود - ذهنی
- ۲ جهان اجتماعی - جهان انسانی - عقاید و ارزش‌های خود - ذهنی
- ۳ جهان فرهنگی - جهان ذهنی - خصوصیات ذهنی خود - تکوینی
- ۴ جهان انسانی - جهان ذهنی - عقاید و ارزش‌های خود - تکوینی

(فارج از کشور ۹۲، با تغییر)

۶۲۲. در نگاه قرآن، جهان محدود به جهان طبیعت نیست و ادراک و آگاهی نیز محدود به نمی‌باشد.

- ۱ ذهنی - هويت طبیعی
- ۲ فرهنگی - انسان
- ۳ تکوینی - انسان
- ۴ انسانی - ذهن افراد

۶۲۳. به ترتیب کدام یک نظر کسانی است که جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و تکوینی می‌دانند و کدام یک دیدگاه گروهی است که جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند؟

(سراسری ۹۲)

- ۱ بین علوم طبیعی، انسانی و اجتماعی تفاوت واقعی وجود ندارد. - ذهن افراد و فرهنگ جامعه هویتی طبیعی و مادی دارند.
- ۲ علوم مربوط به ذهن افراد و فرهنگ جامعه نظیر علوم طبیعی است. - جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ جامعه می‌دانند.
- ۳ جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ جامعه است. - ذهن افراد و فرهنگ جامعه هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است.
- ۴ ذهن افراد و فرهنگ جامعه هویتی طبیعی دارند. - جهان تکوینی و طبیعی را ماده خامی می‌دانند که در معرض برداشت‌ها و تصرفات مختلف فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها قرار می‌گیرد.

۶۲۴. جهان مستقل از خواست و اعتبار انسانی وجود دارد. نزد متفکران مسلمان جهان طبیعت بخشی از جهان است و گروهی که بین علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی تفاوتی واقعی قائل نیستند.

(سراسری ۹۳)

- ۱ تکوینی - تکوینی - جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند.
- ۲ تکوینی - ذهنی و فردی - جهان فرهنگ را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و تکوینی می‌دانند.
- ۳ ذهنی - تکوینی - جهان فرهنگ را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و تکوینی می‌دانند.
- ۴ فرهنگی - ذهنی و فردی - هر دو جهان فرهنگی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند.

(سراسری ۹۹، ترکیبی رهم و یازدهم)

۶۲۵. به ترتیب این موارد ویژگی کدام جهان است؟

- علمی را که از روش‌های فراتجربی استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد.
- فرد اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند.
- برای بقا و تداوم، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد.
- در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد.

- ۱ متجدد - فرهنگی - اجتماعی - غرب
- ۲ تکوینی - فردی - اساطیری - دنیوی
- ۳ غرب - انسانی - سکولار - اساطیری
- ۴ سکولار - تکوینی - توحیدی - سرمایه‌داری

دانش علمی



دانش علمی چگونه آغاز می‌شود؟



- با تأمل و اندیشه در «دانش عمومی»، «دانش علمی» نسبت به جهان آغاز می‌شود.
- دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد.

نمونه عینی:

کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد علم «جمعیت‌شناسی» را فراهم کند.

ویژگی‌های فردی که دانش علمی دارد



۱. به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد. / ۲. آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند. / ۳. قدرتی می‌یابد که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.

نمونه عینی:

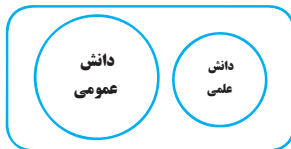
بررسی ساعت در گذر زمان

ساعت از قدیمی‌ترین ابداعات بشر است. او با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت‌های بسیار ظریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

رابطه دانش عمومی و دانش علمی با ذخیره دانشی



ذخیره دانشی



- رابطه دانش عمومی و ذخیره دانشی: دانش عمومی بخشی از ذخیره دانشی ماست.
- رابطه دانش علمی و ذخیره دانشی: دانش علمی بخشی از ذخیره دانشی ماست.

مقایسه دانش علمی و دانش عمومی



- دانش علمی، دقیق‌تر و عمیق‌تر از دانش عمومی است.

نمونه عینی:

زبان، یک پدیده اجتماعی است که از دو جنبه دانش عمومی و دانش علمی قابل بررسی است. میزان آگاهی که مردم عامی از زبان دارند با میزان آگاهی که زبان‌شناسان از زبان دارند بسیار متفاوت است. گروه اول، در سطح دانش عمومی آگاهی دارند و گروه دوم در سطح دانش علمی آگاهی دارند.

اثر دانش علمی بر دانش عمومی



- اثر دانش علمی بر دانش عمومی: تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.
- در برابر بحران‌ها و مشکلات: کسانی که دارای دانش عمومی هستند، نظر می‌دهند اما کسانی که دانش علمی دارند نظر دقیق‌تر و راه‌حل‌های صحیح‌تر ارائه می‌کنند.

نمونه‌های عینی:

۱. راه‌حلهایی که در برابر بحران کم‌آبی از دانش عمومی و دانش علمی برخاسته است: راه‌حل دانش عمومی: «آبیاری کوزه‌ای» که از روش‌های سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. راه‌حل دانش علمی: «آبیاری زیر سطحی با لوله‌های قطره‌چکان» است.
۲. پاسخگویی به نیاز انسان به پوشاک: صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینه علمی شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.

تعارض‌های میان دانش عمومی و دانش علمی



- جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.
- مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند. اگر چنین رویکردی، به جوامع دیگر که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، در ذخیره دانشی آن جوامع، تعارضاتی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.
- حل تعارض‌ها به دو شکل صورت می‌پذیرد:
 ۱. دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر / ۲. طرح ایده‌های جدید

ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی

ایده علوم انسانی و علوم اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) باید دارای این ویژگی‌ها باشد: ۱. دانشی باشد همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه خودمان؛ یعنی دانشی باشد که در حل مسائل و مشکلات بومی ما «مفید» و «کارآمد» باشد. ۲. دانشی باشد که دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد؛ یعنی دانشی باشد به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

زنان دغدوری ایرانی

علوم از نظر موضوع با هم متفاوت هستند.
برای مثال، موضوع علوم فیزیکی ← پدیده‌های طبیعی و موضوع علوم زیستی ← موجودات زنده است.

اوایل قرن ۲۰ ← عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند.

- این گروه
۱. روش تجربی را تنها روش کسب علم می‌دانستند.
 ۲. فقط «علم تجربی» را علم می‌دانستند.
 ۳. فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی می‌دانستند.
 ۴. علوم انسانی و اجتماعی را به شرط استفاده از روش تجربی، علم می‌دانستند.

۱. این رویکرد با چالش مواجه شد. یکی از این چالش‌ها در علم ریاضی بود. ریاضیات علمی فراتر از تجربه و مشاهده است. مثلاً اگر یک میلیون نفر هم زوایای داخلی مثلث را اندازه‌گیری کنند و اعلام کنند ۱۷۹ درجه است، علم ریاضی مجموع زوایای داخلی مثلث را ۱۸۰ درجه می‌داند.

نیمه دوم قرن ۲۰

۲. در محافل علمی از رونق افتاد.

درس: ذخیره دانشی

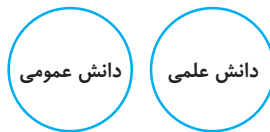


در جدول زیر سه دیدگاه درباره رابطه دانش عمومی و دانش علمی تشریح شده‌اند. با مطالعه و بررسی آن‌ها بگویید کتاب از کدام دیدگاه دفاع می‌کند؟

دیدگاه اول

- تفاوت دانش علمی و عمومی در «روش» است؛
ارزش دانش علمی و عمومی؛
وظیفه دانش علمی در برابر دانش عمومی؛
- روش دانش علمی: تنها از راه «حس و دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تجربه و به صورت نظام‌مند» به دست می‌آید. تنها دانش معتبر است.
 - روش دانش عمومی: از زندگی افراد دانش عمومی نسبت به دانش علمی ارزش حاصل می‌شود که از راه «جامعه‌پذیری» و ناچیزی دارد.
 - «فرهنگ‌پذیری» به دست می‌آید.

شکل دیدگاه اول: متباین هستند. (متخارج هستند).



دیدگاه دوم

- تفاوت جدی میان دانش علمی و عمومی وجود ندارد.
- دیدگاه اول را کاملاً مردود می‌داند.
- هیچ دانشی واقعیت را کشف نمی‌کند و هیچ دانشی واقعیت را بازخوانی نمی‌کند؛ بلکه دانش‌ها، واقعیت را خلق و بازسازی می‌کنند. (یعنی این که دانش علمی یا عمومی نمی‌توانند به آنچه واقعاً در واقعیت وجود دارد، دست یابند؛ بلکه آن‌ها می‌توانند تفسیری از واقعیت ارائه کنند که شاید برابر با واقعیت نباشد.)
- این دیدگاه در تقابل با دیدگاه اول است: الف) همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. ب) تفکیکی میان دانش عمومی و دانش علمی قائل نیست.

شکل دیدگاه دوم: متداخل هستند. (عموم و خصوص مطلق هستند).



(ترکیبی)

۱۱۹۹. گزینه در مورد «دانش علمی» نادرست است.

- ۱ هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد.
- ۲ دانش علمی فرد را به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رساند.
- ۳ تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.
- ۴ ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود آنگاه که دانش علمی، مطالب دانش عمومی را نقض کند.

(مفهومی)

۱۲۰۰. در کدام گزینه به ترتیب «اثر دانش علمی بر دانش عمومی» و «اثر دانش عمومی بر دانش علمی» آمده است؟

- ۱ بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند. - هنگام وقوع یک مسئله خاص در جامعه، زمینه برای پیدایش دانش علمی فراهم می‌شود.
- ۲ بر ذخیره دانش عمومی جامعه می‌افزاید و دانش علمی را غنی‌تر می‌کند. - هنگام وقوع یک مسئله خاص در جامعه، زمینه برای پیدایش دانش عمومی فراهم می‌شود.
- ۳ هنگام وقوع یک مسئله خاص در جامعه، زمینه برای پیدایش دانش عمومی فراهم می‌شود. - بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.
- ۴ هنگام وقوع یک مسئله خاص در جامعه، زمینه برای پیدایش دانش علمی فراهم می‌شود. - بر ذخیره دانش عمومی جامعه می‌افزاید و دانش علمی را غنی‌تر می‌کند.

(ترکیبی)

۱۲۰۱. کدام گزینه به ترتیب در مورد «علت» و «پیامد» تعارض در جهان‌های اجتماعی مختلف درست است؟

- ۱ تعاریف متفاوت از دانش براساس هویت فرهنگی - از رونق افتادن دانش عمومی
- ۲ تعاریف متفاوت از دانش علمی براساس هویت فرهنگی - از دست دادن توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی
- ۳ تعاریف متفاوت از هویت فرهنگی - از رونق افتادن دانش علمی
- ۴ تعاریف متفاوت از دانش عمومی - قطع ارتباط دوسویه دانش عمومی و علمی

(ترکیبی)

۱۲۰۲. مطالب زیر به ترتیب به کدام یک از دیدگاه‌ها درباره دانش عمومی و دانش علمی مربوط است؟

- الف) دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود.
ب) دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید.
پ) همه دانش‌ها دانش حاصل از زندگی است.
ت) در برخی از نحل‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و عمومی فرو می‌پاشد.

- | | |
|---|-----------------------|
| ۱ | دوم - اول - سوم - دوم |
| ۲ | سوم - دوم - اول - سوم |
| ۳ | دوم - اول - سوم - دوم |
| ۴ | سوم - اول - دوم - دوم |

جاهای خاص کتاب را فراموش نکنید!



(مفهومی)

۱۲۰۳. یادگیری دانش عمومی از چه زمانی آغاز می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

- ۱ از هنگام ورود به مدرسه تا زمانی که فرد به ثبات اندیشه می‌رسد.
- ۲ از بدو تولد تا هنگام مرگ
- ۳ از هنگامی که فرد زبان می‌گشاید تا هنگام مرگ
- ۴ از هنگام ورود به اجتماع تا هنگام مرگ

۱۲۰۴. «فیلم سینمایی دورافتاده روایت فردی است که مجبور می‌شود به تنهایی در یک جزیره زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و ...» کدام عبارت توصیف مناسبی در رابطه با این فیلم است؟

(مفهومی)

- ۱ اگر جهان اجتماعی دانش عمومی لازم برای انجام کنش‌ها را در اختیار ما قرار ندهد، انجام هر کنشی دشوار است.
- ۲ هرگاه در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد.
- ۳ تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.
- ۴ در برابر بحران‌ها، کسانی که دانش عمومی دارند نظر می‌دهند، اما آن‌ها که دانش علمی دارند نظر دقیق‌تر می‌دهند.

(تفسیری - مفهومی)

۱۲۰۵. در رابطه با «دانش عمومی»، «دانش علمی» و «ذخیره دانشی» کدام تصویر درست است؟



۲۸. گزینه ۳ تصویر «الف» به آلودگی هوا و اتومبیل‌ها اشاره می‌کند. دقت کنید که آلودگی هوا کنش نیست؛ بلکه پیامد کنش است؛ پس گزینه «۲» نادرست است. از طرف دیگر، آلودگی هوا، پیامد ناخواسته و غیرارادی یا طبیعی است. / تصویر «ب»: این تصویر با توجه به گزینه‌ها یا باید «هدفدار» باشد و یا «معنادار». در واقع هدف در این تصویر نشان داده نشده؛ بلکه باید کشف کنیم که منظور این تصویر چیست و کشف منظور؛ یعنی کشف معنا در این تصویر؛ پس معنادار بودن این تصویر را نشان می‌دهد. صفات ۵ و ۷

۲۹. گزینه ۳ «دست بالا بردن برای اجازه‌خواستن از معلم»: با اراده خودمان اجازه می‌گیریم؛ پس کنش ارادی است و دست بالا بردن، نمادی است برای اجازه گرفتن و نمادها به ویژگی معنادار بودن کنش اشاره دارند. (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / «یادگرفتن درس»: ما درس می‌خوانیم و اگر اصول یادگیری را رعایت کرده باشیم و خوب درس بخوانیم، در پی آن، یادگیری بدون این‌که ما بخواهیم به‌وجود می‌آید؛ پس غیرارادی (طبیعی) است (رد مجدد گزینه «۴»). / «پاسخ‌دادن به پرسش‌های امتحانی»: تا ما نخواهیم به یک سؤال جواب نمی‌دهیم؛ پس ارادی (غیرطبیعی) است. (رد گزینه «۱»). تا اینجا پاسخ مشخص شد؛ اما ادامه می‌دهیم. / «غمگین شدن از شنیدن یک خبر»: غمگینی یا شادی، امری نیست که ما بخواهیم اتفاق بیفتد. خبر را که می‌شنویم در خودمان حس غمگینی داریم؛ پس غیرارادی است و از طرف دیگر پیامد است، نه کنش. صفات ۵ و ۷

۳۰. گزینه ۴ این تست تمرین خوبی است برای این‌که یک بار دیگر تپ تستی همانند تست قبل را تمرین کنید. «یادگرفتن درس»: ما درس می‌خوانیم و اگر اصول یادگیری را رعایت کرده باشیم و به‌خوبی درس بخوانیم، در پی آن، یادگیری بدون این‌که ما بخواهیم به‌وجود می‌آید؛ پس غیرارادی (طبیعی) است و دقت کنید که یاد گرفتن درس، پیامد کنش است. / «شکست ناشی از تصمیم احساسی»: دقت کنید که عبارت روی شکست تأکید دارد و شکست پیامد کنشی بوده است که در اینجا «تصمیم احساسی» است؛ اما پیامد غیرارادی و طبیعی است. / «قبولی در امتحان»: امتحان دادن کنش ارادی است؛ اما قبولی در امتحان به نمره ما مربوط است که توسط معلم داده می‌شود و کنش ارادی معلم است. البته در اینجا تفاوتی میان این دو اراده قائل نشده است و با توجه به گزینه‌ها آن را ارادی می‌گیریم و البته امر بیرونی هم هست؛ یعنی «الف» / «نشاط پس از ورزش»: شادی امری نیست که ما بخواهیم اتفاق بیفتد. پیامد ورزش کردن خودبه‌خودی رخ می‌دهد. صفات ۵ و ۷

۳۱. گزینه ۳ یک بار دیگر با تست تألیفی تمرین مجدد کنید. «یادگیری دوچرخه‌سواری پس از تمرین‌های زیاد»: تمرین دوچرخه‌سواری یک کنش ارادی است؛ اما نتیجه‌اش چه؟ نتیجه و پیامد خودش روی می‌دهد؛ چرا که فرد اگر خوب تمرین کند، نمی‌تواند جلوی یادگیری خود را بگیرد و یادگیری خودبه‌خود روی می‌دهد؛ پس این موضوع به پیامد کنش مربوط است و پیامد این کنش، طبیعی و غیرارادی است. / «احساس ناامیدی وقتی نمی‌توانیم به آرزویمان برسیم»: دقت کنید که عبارت روی احساس ناامیدی تأکید دارد و ناامیدی پیامد کنش یا عدم انجام کنشی بوده است که در اینجا ناشی از نرسیدن به آرزویمان است. ناامیدی را ما خودمان ایجاد نمی‌کنیم؛ بلکه در اثر کنش به ما داده می‌شود؛ پس غیرارادی و طبیعی است. / «پذیرفته‌شدن در هر آزمونی»: امتحان دادن، کنش ارادی است؛ اما قبولی در آن به نمره ما مربوط است که توسط معلم داده می‌شود و کنش ارادی معلم است. البته در اینجا تفاوتی میان این دو اراده قائل نشده است. / «خستگی پس از انجام کار روزانه»: خستگی امری نیست که ما بخواهیم اتفاق بیفتد. انجام کار موجب شده است؛ پس پیامد غیرارادی و طبیعی است. صفات ۵ و ۷

۳۲. گزینه ۳ ادراک، تصمیم‌گیری و اندیشیدن، کنش درونی هستند؛ زیرا هنوز شکل بیرونی پیدا نکرده‌اند. **بررسی سایر گزینه‌ها**: گزینه «۱»: ترسیدن، مختص انسان نیست بلکه در میان سایر موجودات نیز دیده می‌شود. / گزینه «۲»: بیان کردن، کنش بیرونی است. لرزش بدن به هنگام ترسیدن، فعالیت غیرارادی است و کنش انسانی نیست که درونی یا بیرونی باشد. / گزینه «۴»: تپش قلب و احساس، فعالیت‌های غیرارادی هستند و خندیدن، کنش بیرونی است. صفت ۱۰

تصمیم می‌گیریم و بعد احساس افتخار می‌کنیم؟ خیر! ما کنش را انجام می‌دهیم و بعد احساسی در ما ایجاد می‌شود، بدون این‌که اراده ما در تولید آن احساس نقشی داشته باشد؛ پس پیامد غیرارادی است. / «فکر می‌کنم تلاش‌هایم معنا یافته است»: چرا که توانستم در تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان این احساس را ایجاد کنم. «معنابخشی کنش، معنادار بودن کنش را نشان می‌دهد. / «به رشته‌ای که در آن درس می‌خوانند، افتخار کنند»: افتخار کردن یک حس درونی است که در اثر کنشی که انجام داده‌ایم، ایجاد شده و پیامد طبیعی و غیرارادی کنش ما است. صفات ۵ و ۷

۲۳. گزینه ۱ «پرسش چرا این کار را انجام دادی؟»: دلیل کاری را می‌پرسد؛ بنابراین به ویژگی هدفدار بودن کنش اشاره دارد. / «یادگرفتن زبان زرگری»: یادگیری هر چیزی، در حوزه آگاهی است؛ پس آگاهانه بودن کنش را می‌رساند. / «انتخاب بین دو راه»: هر نوع انتخابی، ارادی بودن کنش را نشان می‌دهد؛ چرا که اگر اراده نداشته باشیم، توانایی انتخاب نداریم. / «پاسخ سلام دیگری را دادن»: فردی به ما سلام کرده و در پی آن ما پاسخی دادیم؛ پس با «پیامد» سروکار داریم و از آنجایی که با اراده خود این کار را کرده‌ایم، به پیامد ارادی کنش اشاره دارد. / «فعالیتی که انسان انجام می‌دهد»: تعریف کنش، کار، عمل، فعل و ... است. / «این حکایت از سعدی»: برای نشان دادن اهمیت شناخت پیامدهای کنش آورده شده است. صفات ۵ و ۷

۲۴. گزینه ۱ «تبریک دوستان برای قوی شدن اندامم»: پیامد ارادی است؛ اما نه اراده کنشگر؛ بلکه وابسته به اراده دیگران است. / «متناسب شدن اندامم»: پیامد است و پیامدی است که ناشی از ورزش است و اگر ورزش کنیم، بی‌آنکه تحت اراده ما این اتفاق بیفتد، اندام متناسبی پیدا می‌کنیم. / «احساس کنترل بر خود»: وقتی کنش ما کنترل کردن خشممان است، پیامد آن این است که احساس می‌کنیم بر خود کنترل داریم که این امر؛ یعنی احساس کنترل بر خود با اراده ما پیدا نشده؛ بلکه با انجام کنش کنترل خشم، این احساس به‌وجود آمده است. / «عدم پرخاشگری»: پیامد کنترل خشم است؛ وقتی ما بتوانیم خودمان را کنترل کنیم و در مقابل موردی که خشممان را برمی‌انگیزد، پرخاشگری نکنیم؛ یعنی با اراده خودمان چنین کرده‌ایم. صفت ۷

۲۵. گزینه ۱ «تپش قلب»: پیامد کنش سیگار کشیدن است؛ اما این پیامد با اراده فرد به‌وجود نمی‌آید؛ بلکه غیرارادی و طبیعی است. / «از دست دادن دوستان»: پیامد کنش سیگار کشیدن است و به اراده دوستانی بستگی دارد که با دیدن سیگار کشیدن آن فرد از او دور می‌شوند. نتیجه این‌که پیامد ارادی وابسته به اراده دیگری است. / «احساس پاکي روح»: پیامد کنش رعایت حیا و پیامدی غیرارادی است. / «تشویق اجتماعی»: پیامد کنش رعایت حیا است و چون توسط دیگران انجام می‌پذیرد؛ پس پیامد ارادی وابسته به اراده دیگری است. صفات ۶ و ۷

۲۶. گزینه ۴ «الف»: بر سر درواهی انتخاب قرار گرفتن؛ به این معنا است که فرد باید تصمیم‌گیری کند و هر تصمیم‌گیری به اراده مربوط است. / «ب»: برج ایفل نماد فرانسه است؛ هر نمادی بر معنایی دلالت دارد؛ پس به معناداری کنش مربوط است. / «پ»: بوقی که مفهوم اعتراض دارد بر معنایی متفاوت بوق زدن اشاره دارد؛ پس درست نیست. «کلاس رفتن برای یادگیری شنا» به دلیل انجام کنش کلاس رفتن اشاره دارد و «دلایل»، نشان‌دهنده هدفدار بودن هستند. «تعریف کردن جوک برای خنداندن» به دلیل انجام کنش تعریف کردن جوک اشاره دارد؛ پس این مورد نیز بر هدفدار بودن کنش دلالت دارد. «لباس تمیز پوشیدن به منظور شاد بودن» بر دلیل و چرایی دلالت دارد که آن هم به هدفدار بودن کنش اشاره دارد. / «ت»: استفاده از دفترچه راهنمای یک کالا به این مفهوم است که فرد برای استفاده از وسیله‌ای، دفترچه راهنمای آن را مطالعه می‌کند تا نسبت به آن وسیله آگاهی کسب کند؛ پس بیانگر ویژگی آگاهانه بودن کنش است. صفت ۵

۲۷. گزینه ۳ «آدمی در گرو عمل خویش است»: این آیه توجه انسان را به پیامدهای عمل و کنش انسان جلب می‌کند. / «نام دیگر کنش»: فعالیت انسانی است. / «اقداماتی که برای زندگی در جایی که قبلاً نبودیم، انجام می‌دهیم»: از آنجایی که می‌خواهیم نسبت به شرایط آن مکان مطلع شویم؛ پس کنشی که انجام می‌دهیم، آگاهانه است. صفات ۵ و ۷

۶۱۶. **گزینه ۳** براساس دیدگاه سوم، هیچ جهانی بی‌اهمیت نیست و نادیده گرفته نمی‌شود. ممکن است فکر کنید گزینه «۲» نیز نادرست است؛ اما چنین نیست؛ زیرا وقتی از تعامل و اهمیت سه جهان می‌گوید؛ پس قطعاً برای هر کدام نیز جایگاه ویژه‌ای قائل خواهد بود. *صفحه ۸*

۶۱۷. **گزینه ۱** وضعیت امروزی محیط‌زیست، محصول باورهایی است که دیدگاه اول و دوم می‌بخشد؛ چراکه هیچ کدام از این دو دیدگاه به طبیعت به‌عنوان آیه خداوند نگاه نمی‌کنند. آلودگی طبیعت و محیط‌زیست نتیجه کارهای شتاب‌زده و نابخردانه انسان‌ها است. *صفحه ۹*

۶۱۸. **گزینه ۱** مفهوم آیه به تعامل فعال میان جهان تکوینی با سایر جهان‌ها اشاره دارد. *صفحه ۹*

۶۱۹. **گزینه ۱** «الف»: اگر انسان از خویشتن و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی و شکوفایی استعدادهای خویش در می‌ماند. / «ب»: قرآن کریم از باورها و اعمالی که مانع دست‌یابی انسان به حقیقت خویش و جهان هستی می‌شوند، به اغلال و سلاسل یاد می‌کند که زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کنند. *صفحه ۹*

۶۲۰. **گزینه ۳** «الف»: آنچه با توجه به آیه قابل درک است، این است که مردم نقشی را ایفا کرده‌اند که جهان تکوینی در مقابل آنان واکنش نشان داده و اگر نقششان را تغییر دهند، واکنش جهان تکوینی هم تغییر خواهد کرد. درواقع نشان‌دهنده تعامل میان جهان تکوینی و جهان فرهنگی یا اجتماعی است. بر همین اساس تنها گزینه «۳» درست است. *صفحه ۸*

۶۲۱. **گزینه ۴** چرا اولین جای خالی با پاسخ جهان اجتماعی (جهان فرهنگی) پر نمی‌شود؟ به این دلیل که در سؤال، اشاره نشده که این کنش انسانی رو به دیگری است یا خیر. به همین دلیل هم شامل جهان اجتماعی و هم شامل جهان فردی می‌شود؛ پس فعلاً گزینه‌های «۱» و «۴» درست هستند. نقطه مقابل جهان فرهنگی (جهان اجتماعی) جهان فردی (جهان ذهنی) است. *صفحات ۴ تا ۶*

۶۲۲. **گزینه ۳** در نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست و ادراک و آگاهی نیز محدود به انسان نمی‌باشد. *صفحه ۸*

۶۲۳. **گزینه ۳** گروهی که جهان فرهنگی را مهم‌تر می‌دانند؛ (یعنی دیدگاه دوم) معتقدند هم جهان فردی و هم جهان طبیعی تحت‌تأثیر فرهنگ است. بخش اول گزینه «۳» درست است. ادامه گزینه «۳» به دیدگاه اول اشاره دارد که جهان تکوینی را محدود به جهان طبیعت می‌دانند. *صفحات ۷ و ۸*

۶۲۴. **گزینه ۱** جهان تکوینی (طبیعت و فوق طبیعت) مستقل از این که ما بخواهیم وجود دارد؛ پس گزینه «۱» یا «۲» درست است. در نزد مسلمانان جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است؛ پس گزینه «۲» نادرست و گزینه «۱» درست خواهد بود. *صفحات ۶ تا ۸*

۶۲۵. **گزینه ۱** این سؤال، یک سؤال ترکیبی از پایه‌های دهم و یازدهم است. «قسمت اول»: منظور از روش‌های فراتجربی همان روش‌های عقلانی و وحیانی است. در جهان متجدد؛ یعنی غرب بعد از رنسانس یا غرب چهارصد سال اخیر، آدمیان متوجه اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به آن از علوم تجربی استفاده می‌کنند؛ بنابراین علوم فراتجربی را علم نمی‌دانند. با این تعریف گزینه «۲» قطعاً رد می‌شود، گزینه «۱» قطعاً تأیید می‌شود و بین گزینه‌های «۳» و «۴» نیز ممکن است دچار تردید شویم. این تردید با قسمت‌های بعدی و رد گزینه برطرف می‌شود. / «قسمت دوم»: در همین درس خواندیم که تا وقتی انسان می‌اندیشد یا تصمیم می‌گیرد، در محدوده جهان فردی و ذهنی خود قرار می‌گیرد؛ اما همین که اندیشه خود را به‌صورت «گفته یا نوشته» مطرح کند یا براساس تصمیم خود با دیگری رفتار کند، دیگر از محدوده جهان فردی خود خارج شده و وارد جهان اجتماعی یا فرهنگی می‌شود. / «قسمت سوم»: در کتاب پایه دهم، درس نهم، خواندید که جهان اجتماعی برای بقا و تداوم خود، ناچار است که ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مناسب با خود را طی روند جامعه‌پذیری به افراد آموزش دهد؛ بنابراین با این قسمت به‌راحتی گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» رد می‌شوند. /

«قسمت چهارم»: در کتاب پایه دهم، درس ۱۴، خواندید که در مدل اقتصادی غرب (سرمایه‌داری)، عامل اصلی هویت‌یابی افراد، سرمایه است و اقتصاد غرب هیچ مانعی را در راه رسیدن به سود بر نمی‌تابد. این قسمت در گزینه‌های «۱» و «۴» به‌درستی آمده است. *تربیتی دهم و یازدهم*

۶۲۶. **گزینه ۱** «الف» و «ب» درست هستند؛ ولی «پ» نادرست است. اگر بخواهیم این عبارت را درست کنیم، باید به‌جای «شکل نمی‌گیرد.» بگوییم «شکل می‌گیرد.»

۶۲۷. **گزینه ۳** سه مورد اول درست است و مورد «ت» نیز اگر گفته می‌شد که اجزا و عناصر فرهنگ نیز امکان گسترش دارند، درست بود. *صفحه ۱۱*

۶۲۸. **گزینه ۴** هر سه مورد اول از دلایل تنوع فرهنگی است. *صفحه ۱۱*

۶۲۹. **گزینه ۲** فرهنگ‌هایی که ظرفیت جهانی شدن را ندارند، سلطه‌جو نیستند؛ اما می‌توانند سلطه‌پذیر باشند. (رد گزینه‌های «۱» و «۳»: ارزش‌ها و عقاید این نوع از فرهنگ‌ها، عام و جهان‌شمول نیستند؛ بلکه قومی و منطقه‌ای‌اند؛ زیرا ظرفیت جهانی شدن را ندارند و نمی‌توانند از مرزهای جغرافیایی عبور کنند؛ بنابراین گزینه «۴» را نیز رد می‌کنیم. *صفحه ۱۲*

۶۳۰. **گزینه ۲** در گونه نخست و دوم یک ویژگی مشترک وجود دارد که به دلیل جهانی شدن، هر دو «سلطه‌گرایانه» هستند؛ چراکه عدم نگاه سلطه، فرهنگ را جهانی نمی‌کند؛ پس گزینه‌های «۱» و «۴» نادرست هستند. گونه دوم موافق با فطرت آدمی است؛ پس گزینه «۳» نیز نادرست است. *صفحات ۱۲ و ۱۳*

۶۳۱. **گزینه ۲** منظور از فرهنگ جهانی مطلوب، فرهنگ حق است که دارای ارزش‌های عام و جهان‌شمول است؛ پس می‌توانیم گزینه‌های «۱» و «۳» را رد کنیم، فرهنگ حق از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی و سعادت همه انسان‌ها سخن می‌گوید. می‌دانید که، رفتارها و هنجارها براساس عقاید و ارزش‌ها شکل می‌گیرند؛ بنابراین ما می‌توانیم بگوییم هنجارها و رفتارها با عقاید و ارزش‌ها سازگار هستند، نه برعکس آن که در گزینه‌های «۱» و «۴» ذکر شده است. *صفحات ۱۳ و ۱۴*

۶۳۲. **گزینه ۲** منظور از فرهنگ جهانی مطلوب، فرهنگ حق است که دارای ارزش‌های عام و جهان‌شمول می‌باشد. بخش دوم گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» نادرست هستند؛ اما بخش اول گزینه‌های «۳» و «۴» مفهومی هستند که می‌تواند در ارتباط با هر فرهنگی چه حق و چه باطل باشد. *صفحات ۱۳ و ۱۴*

۶۳۳. **گزینه ۳** حقیقت معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است. گزینه «۱» به عدالت اشاره دارد. گزینه «۲» به معنویت اشاره دارد. *صفحه ۱۴*

۶۳۴. **گزینه ۴** «معنویت» به پرسش‌های بنیادین درباره مرگ و زندگی انسان پاسخ می‌دهد و مانع ایجاد بحران‌های روحی و روانی در فرد می‌شود. *صفحه ۱۴*

۶۳۵. **گزینه ۲** بررسی همه عبارت‌ها؛ مانع ایجاد زمینه ظلم بر انسان: آزادی / مانع وقوع بحران‌های روحی و روانی: معنویت / رهایی از امری برای رسیدن به امری دیگر: آزادی / عامل نفوذ سلطه‌گران: وجود فرهنگ‌هایی با رویکرد جبرگرا و غیرمسئول / جلوگیری از تفرقه بین جوامع: عدالت / عامل پابرجا ماندن آسمان‌ها و زمین: عدالت *صفحات ۱۴ و ۱۵*

۶۳۶. **گزینه ۱** گزینه «۱» مربوط به اثرات مسئولیت و تعهد است، نه عدالت *صفحه ۱۵*

۶۳۷. **گزینه ۳** فراهم‌شدن زمینه ظلم بر انسان: ناشی از عدم وجود ارزش آزادی است. / بحران‌های روحی و روانی: ناشی از عدم وجود معنویت در فرهنگ است. / نفوذ سلطه‌گران ناشی از رویکرد جبرگرایانه و غیرمسئولانه است. (مسئولیت و تعهد) *صفحات ۱۴ و ۱۵*

۶۳۸. **گزینه ۳** این مسئولیت و تعهد است که زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم می‌آورد نه عقلانیت. *صفحه ۱۶*

۶۳۹. **گزینه ۴** بشر علاوه بر پرسش‌های بنیادین، با شرایط تاریخی مختلفی مواجه می‌شود که پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی ایجاد می‌کند و عقلانیت سطح دوم پاسخ‌گوی این پرسش‌هاست. *صفحه ۱۶*

است. // «شیوه آغاز دانش علمی»: با تأمل و اندیشه در شناخت عمومی // «نتیجه ورود به جهانی که دیگران در آن زندگی می‌کنند»: شریک شدن در مجموعه‌ای از شناخت‌ها که آن‌ها دارند. صفحات ۵ و ۴

۱۱۹۷. **گزینه ۱** دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، (یعنی مشکلی در دانش عمومی به وجود می‌آید) زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. صفحه ۵

۱۱۹۸. **گزینه ۳** «چگونگی رخ دادن تعارض بین دانش عمومی و دانش علمی»: در صورتی که دانش علمی جدیدی مغایر با هویت فرهنگی افراد به آن جامعه نفوذ کند. // «نتیجه تعارض بین این دو دانش»: ۱. قطع ارتباط دوسویه این دو نوع دانش ۲. از رونق افتادن دانش علمی. // «روش حل این تعارض»: ۱. دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگر ۲. طرح ایده‌های جدید. صفحه ۶

۱۱۹۹. **گزینه ۴** گزینه «۴» نادرست است. زیرا: آن‌گاه چنین روی می‌دهد که جهان‌های اجتماعی مختلف بدون توجه به هویت فرهنگی خود، تعاریف یکسانی از دانش علمی ارائه کنند. صفحه ۶

۱۲۰۰. **گزینه ۱** «اثر دانش عمومی بر دانش علمی»: هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. یعنی دانش عمومی منجر به ایجاد دانش علمی شده است. // «اثر دانش علمی بر دانش عمومی»: تلاش‌های علمی نیز به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و هم دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند. سایر اثرات دانش علمی بر دانش عمومی را در صفحه ۵ کتاب درسی مطالعه کنید. صفحه ۵

۱۲۰۱. **گزینه ۲** جهان‌های اجتماعی مختلف، براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند، بنابراین علت وقوع تعارض میان جهان‌های اجتماعی و یا درون یک جهان اجتماعی مشخص شد. پس گزینه «۱» ناقص و گزینه «۴» نادرست است. // پیامد: ۱. قطع ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی ۲. از رونق افتادن دانش علمی ۳. از دست دادن توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی. بنابراین قسمت دوم همه گزینه‌ها درست است به‌جز گزینه «۱». صفحات ۶ و ۷

۱۲۰۲. **گزینه ۴** (الف) دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند عقلانی و وحیانی را شامل می‌شود. دیدگاه سوم (ب) دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به‌دست می‌آید. دیدگاه اول (پ) همه دانش‌ها دانش حاصل از زندگی است. دیدگاه دوم (ت) در برخی از نخله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و عمومی فرو می‌باشد؛ دیدگاه دوم. صفحه ۸

۱۲۰۳. **گزینه ۲** انسان با ورود به جهانی که دیگران در آن به سر می‌برند (یعنی در بدو تولد)، در مجموعه‌ای از شناخت‌ها با آن‌ها شریک می‌شود. این دانش مشترک، همان دانش عمومی است. این روند تا هنگام مرگ فرد ادامه می‌یابد. صفحات ۲ تا ۴

۱۲۰۴. **گزینه ۱** این فیلم نشان می‌دهد که: اگر جهان اجتماعی، دانش عمومی لازم برای انجام کنش را در اختیار ما قرار ندهد، انجام هر کنشی دشوار است. صفحه ۴

۱۲۰۵. **گزینه ۱** ذخیره دانشی به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. دانش عمومی ۲. دانش علمی. پس گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست هستند. دقت کنید که در کتاب درسی گفته شده است: دانش عمومی گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی است پس سطح بزرگ‌تری را در برمی‌گیرد. گزینه «۳» نادرست است. صفحات ۳ و ۴

۱۲۰۶. **گزینه ۱** در مورد زبان ما هم دانش عمومی داریم (صحبت به زبان مادری) و هم می‌توانیم دانش علمی داشته باشیم. (تسلط به دستور زبان مادری) ساعت الکترونیکی براساس دانش علمی ایجاد شده است و آبیاری کوزه‌ای براساس دانش عمومی برای ما قابل استفاده است و دانشی است که در طی زندگی اجتماعی ایجاد شده است. صفحات ۵ و ۶

۱۲۰۷. **گزینه ۳** «علت تفاوت تعاریف مختلف از دانش علمی در جهان‌های اجتماعی متفاوت»: جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند. // «آبیاری زیرسطحی با لوله‌های قطره‌چکان» پیشنهاد دانش علمی برای مواجهه با کم‌آبی است. صفحه ۶

۱۱۸۷. **گزینه ۱** این رویکرد از اوایل قرن بیستم در جهان غرب شکل گرفت و در نیمه دوم قرن بیستم از رونق افتاد و فلسفه و اخلاق و دین را کلاً جزء علوم نمی‌دانست.

۱۱۸۸. **گزینه ۱** بررسی عبارت‌های نادرست: الف) نادرست است. زیرا: این نوع آگاهی، یک بخش از ذخیره دانشی یعنی «دانش عمومی» است. // ت) نادرست است. زیرا: دانش عمومی، زیرمجموعه ذخیره دانشی است. صفحات ۲ و ۳

۱۱۸۹. **گزینه ۲** «دانشی که انسان‌ها در طول زندگی به دست می‌آورند»: دانش عمومی؛ «دانشی که برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد»: دانش علمی؛ «دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد»: جهان اجتماعی، یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم. صفحات ۳ تا ۵

۱۱۹۰. **گزینه ۳** در کتاب در دو مورد نحوه شکل‌گیری مطرح شده، یک مورد گفته شده که دانش علمی با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به‌دست می‌آید که نحوه شکل‌گیری آن را نشان می‌دهد و در موردی دیگر (همان صفحه) گفته شده که دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند. پس در مورد شکل‌گیری، هر دو گزاره درست است. پس قسمت اول سؤال در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» می‌تواند درست باشد. گزینه «۴» قسمت اول نادرست است؛ زیرا به جای دانش عمومی، ذخیره دانشی قرار داده است. در قسمت دوم سؤال فقط گزاره دوم را می‌توان قرار داد. بنابراین گزینه درست، گزینه «۳» است. صفحه ۵

۱۱۹۱. **گزینه ۳** دانش عمومی امکانی به انسان می‌دهد که از تجربیات قبلی دیگران استفاده کند که نیاز نداشته باشد برای انجام هر کاری فکر کند تا آگاهی لازم را به دست آورد. پس در وقت او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های جدیدتری برای ارتقای ذخیره دانشی خود بپردازد. در غیر این صورت به‌سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می‌شود. صفحه ۴

۱۱۹۲. **گزینه ۴** این سؤال به نوعی توضیح شکل‌های سؤال بالا می‌باشد. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: نادرست است زیرا حوزه دانش علمی گسترده‌تر نیست. // گزینه «۲» و «۳»: نادرست هستند، زیرا اگر بگوییم یکی از دانش‌های علمی یا عمومی، دیگری را در برمی‌گیرد. به این معنی است که رابطه این دو را عموم و خصوص من‌وجه بدانیم، در حالی که در کتاب گفته شده دانش عمومی، مقدمه دانش علمی است و بخش گسترده‌تر ذخیره دانشی را در برمی‌گیرد. صفحات ۳ تا ۶

۱۱۹۳. **گزینه ۲** بررسی همه گزینه‌ها: گزینه «۱»: قسمت اول و دوم درست است. // گزینه «۲»: قسمت اول نادرست است، زیرا تعریف دانش عمومی است و قسمت دوم درست است. // گزینه «۳»: قسمت اول درست اما قسمت دوم نادرست است و در تعریف دانش عمومی استفاده می‌شود، نه ذخیره دانشی. صفحات ۲ و ۳

۱۱۹۴. **گزینه ۲** (الف) راه رفتن در یک خیابان، وقتی در حالت خاصی نباشد نیاز به دانش علمی ندارد. پس: دانش عمومی است. // (ب) واژه حرفه‌ای نشان می‌دهد که فرد آموزش دیده است. پس: دانش علمی است. // (پ) کلاس آموزشی امداد، به روش علمی آموزش می‌دهد. پس: دانش علمی است. // (ت) این یادگیری در اثر تجربه فردی است پس: دانش عمومی است. صفحات ۳ تا ۵

۱۱۹۵. **گزینه ۱** (الف) تسلط بر دستور زبان، شناخت علمی است، زیرا فقط متخصصان علم زبان‌شناسی می‌توانند آن را دریابند و آموزش دهند. // (ب) ترافیک یک پدیده اجتماعی است و شناخت عمومی حکم می‌کند که برای راهی از این امر از وسایل نقلیه عمومی استفاده شود در حالی که در دانش علمی از چرایی وقوع ترافیک و راه‌حل نهایی آن سخن به میان می‌آید. // (پ) جمعیت‌شناسی یک علم است. // (ت) ایستادن پشت چراغ قرمز براساس دانش عمومی رخ می‌دهد و معمولاً انسان‌ها برحسب عادت این عمل را تکرار می‌کنند و از آگاهی و دانشی که در پس آن نهفته است، غافل‌اند. صفحات ۵ و ۶

۱۱۹۶. **گزینه ۴** «نتیجه داشتن دانش علمی»: ۱. به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد. // ۲. آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند. // ۳. قدرتی می‌یابد که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند. (بخش اول گزینه‌های «۱» و «۴» درست